

مجموعه داستانهای فارسی، ۲۵

حکایتها، روایتها، مثلها
برگرفته از آثار احمد جام نامقی ملقب به ژنده پیل

یعقوب ندایی احمدی



نشر دستور

شماره شابک: ۱-۶۳-۶۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸



نشر دستور

حکایتها، روایتها، مَثَلها

برگرفته از آثار احمد جام نامقی ملقب به ژنده پیل

یعقوب ندایی احمدی

نوبت چاپ: اول، شمارگان: ۵۰۰ جلد، پاییز ۱۴۰۱

قطع: رقعی، (۱۵۲ صفحه) قیمت: ۴۵۰/۰۰۰ ریال

چاپ: ایران زمین، صحافی: حافظ، طرح جلد: فؤاد عبدی

شماره شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۲۷-۶۳-۱

حق چاپ محفوظ است

مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۹۱۸۹۵ تلفن ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷

پیام‌نگار: dasturpress93@gmail.com

نشانی وبگاه: dasturpress.com

این کتاب با کاغذ حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

-
- سرشناسه: ندایی احمدی، یعقوب، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: حکایتها، روایتها، مثلها: برگرفته از آثار احمد جام نامقی
ملقب به ژنده پیل / یعقوب ندایی احمدی
مشخصات نشر: مشهد: نشر دستور، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست: مجموعه داستانهای فارسی؛ ۲۵.
شابک: 978-622-6727-63-1
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر حکایات از آثار مختلف «احمد
بن ابوالحسن ژنده پیل» است.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۰؛ همچنین بصورت زیر نویس.
موضوع: داستانهای عرفانی فارسی -- قرن ۵ ق.
* Sufi fiction, Persian -- 11th century
داستانهای اخلاقی -- قرن ۵ ق.
* Ethical fiction -- 11th century
داستانهای عرفای فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد
* Sufi fiction, Persian -- 11th century-- History and criticism
داستانهای اخلاقی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد
* Ethical fiction -- 11th century-- History and criticism
شناسه افزوده: ژنده پیل، احمد بن ابوالحسن، ۴۴۱-۵۳۶ ق.
شناسه افزوده: Ahmad Jam
رده بندی کنگره: PIR۴۲۴۰
رده بندی دیویی: ۸۳/۰۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۷۹۸۴۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا
-

تقدیم‌نامه:

این اثر را تقدیم می‌کنم به روح بلند مادرم،
آن اسوهٔ تلاش و محبت که از جنس لطیف
سادگی بود و سرشار از عشق و صداقت و
مهربانی، با زبانی ساده و مملوّ از مهر
مادری که من نخستین قصّه‌های زندگی را از
زبان شیرین او شنیدم.

آنچه در این کتاب می‌خوانیم:

عنوان	صفحه
مقدمه	۷
شیخ احمد جام کیست؟	۹
آشنایی مختصر با آثار و تألیفات احمد جام	۱۱
بخش اول: حکایتها: فضیل عیاض و مرد یهودی	۱۸
پادشاه کنجکاو	۲۰
حاکم و گریه دست آموز	۲۲
حکایت دو برادر حاکم و دو فرزندشان	۲۴
حکایت ذوالقرنین و دنیای تاریک	۳۳
مردی که از روی هوس عاشق زنی شد	۳۶
شاهزاده و همسرش	۳۸
حکایت باز شکاری امیر و پیرزن	۳۹
علت دشمنی کلاغ و باز	۴۲
حضرت عیسی و کودک نابینا	۴۴
شقیق بلخی و مرد منکر خدا	۴۵
حکایت پرسش یکی از بزرگان در مجلس بزرگان	۴۶
گفتگوی خداوند با یکی از بندگان در روز قیامت	۴۷
حکایت خلقت آدم (۷)	۴۸
مرد گاو فروش	۵۰
مردی گناهکار از بنی اسرائیل	۵۱
دو برادر و ساختن باغ	۵۳
هارون الرشید و لوزینه	۵۵
حکایت ملا و بچه‌های مکتب	۵۷
همسر هارون الرشید و فقیر	۵۸

غلام هندو و اربابش	۶۰
سلطان محمود و ایاز	۶۱
حضرت عیسی و دو نفر از بندگان خدا	۶۲
دیو اُمّ الصّبیان و فریب دادن مؤمنان	۶۴
مهمانی حضرت سلیمان (۷)	۶۸
توبه نصوح	۷۱
اصحاب کهف	۷۳
قصه موسی و خضر	۸۰
ابراهیم ادهم و خوردن خرما در بصره	۸۵
عبدالرحمن اصمعی و جوان عرب	۹۰
حکایت سماع درویشان در نیشابور	۹۲
حکایت درویشی که به دنبال خدا می گشت	۹۴
حکایت داوود پیامبر صلوات الله علیه و جبرائیل	۹۸
حکایت خلقت پیامبران	۱۰۰
حکایت روز عید و کودک خرد سال	۱۰۳
دو حکایت پیش از توبه احمد جام	۱۰۵
دو حکایت از دو دوست	۱۰۸
حکایت مردی که به حلال بودن کسب و کارش شک کرده بود	۱۰۹
حکایت در بیان علم سرّ و توضیح آن	۱۱۱
حکایت گفتگوی حضرت محمد با «حارثه»	۱۱۴
حکایت یکی از پادشاهان و سگاک	۱۱۶
حکایت جوان و شکار فاخته	۱۱۸
بخش دوم: مثلها و ضرب المثلها	۱۲۰
شرح نامها، اصطلاحات و جایهای مهم	۱۴۸
فهرست منابع و مآخذ	۱۵۰

مقدمه

بادهٔ صاحب‌دلان را جام نیست صبح وصل عاشقان را شام نیست
کام می‌خواهی مکن دعوی عشق عاشق آن باشد که او را کام نیست
پخته شو از آتش عشق ای پسر عشقبازی کار مرد خام نیست^۱
آغاز حکایت‌نویسی و قصه‌گویی، بر ما معلوم نیست گرچه می‌دانیم که در
عهد کهن انسانهای نخستین که در غارها زندگی می‌کردند، نه زبان خاصی برای
سخن گفتن و نه خطی برای نوشتن داشتند تا آنچه در خاطرشان می‌گذرد
بنویسند یا با یکدیگر در میان بگذارند. اما آثار بجا مانده از دوران اولیهٔ بشر،
مشخص می‌کند که آنها برای بیان داستان زندگی خویش شکل‌هایی بر روی
دیوارهٔ غارها کشیده‌اند.

این نقاشیهای سنگ‌نگاره، که گاهی شکار کردن و گاهی نقش فرد بزرگ
قبیله یا وسایل شکارشان را بر روی سنگ نقر کرده‌اند نشان میدهد. این نخستین
ارتباط بشر اولیه بوسیلهٔ نقش بر سنگها بوده که می‌خواسته‌اند اثری از آنچه
دیده‌اند و انجام داده‌اند برای نسلهای بعدی به یادگار بگذارند.

به مرور زمان، شکلها کمی کوچکتر می‌شد و معنی بیشتری از آنها استنباط
می‌شد و بین افراد هر ناحیه یا غارهای نزدیک به هم، شکل‌های قراردادی، جای
شکل‌های پیشین را گرفت و این اولین خط بود که با آن منظورشان را به هم
می‌فهماندند. این شکل‌های قراردادی کم‌کم خط تصویری را به وجود آورد که
با اختراع حروف الفبا به کمال رسید.

از آن زمان به بعد بود که انسان توانست خاطراتش را بنویسد و آنچه در زندگیش گذشته به صورت حکایت یا داستان و قصه بر روی قطعات گل خشک شده یا لوح سنگی و کاغذ بنویسد.

سپس تأسیس کتابخانه‌ها از همین دست نوشته‌ها صورت گرفت. یکی از معروف‌ترین کتابخانه‌های، دنیای قدیم، کتابخانه اسکندریه در مصر کنونی بوده است.^۱ کتابخانه اسکندریه سازمانی پیشرفته داشت که آن را تبدیل به یک شهر علمی و فلسفی کرد. دانشمندان از شهرها و سرزمینهای دیگر برای کسب دانش و معرفت به اسکندریه می‌رفتند تا از کتابهای آن مؤسسه و دانشمندی که آنجا بودند، بهره‌مند شوند. همان‌طور که امروز در کتابخانه‌های دانشگاههای بزرگ در سراسر جهان قسمتی شبانه‌روزی دارند، کتابخانه اسکندریه هم بخشی شبانه‌روزی داشت که بعضی از دانشمندان سالها در آن کتابخانه می‌ماندند. خط میخی در زمان پادشاهان هخامنشی و خط پهلوی در زمان پادشاهان اشکانی و ساسانی در میان ایرانیان رواج داشت.

نخستین داستانهای تمثیلی در ادبیات فارسی از دوره اشکانیان (کتیبه درخت آسوریک) باقی مانده و در دوره ساسانیان با ترجمه از متون سانسکریت و یونانی به کمال و رونق خود نزدیک شده است.

شیخ احمد جام کیست؟

احمد جام هم که قریب هزار سال پیش میزیسته (تولد ۴۴۰ ه.ق. وفات ۵۳۶ ه.ق.) در آثار و کتب باقی مانده از او، از این دست حکایتها از خود و

۱- مکتب اسکندریه مکتبی بود فلسفی و علمی که در شهر اسکندریه واقع در مصر به وجود آمد و علت ایجاد آن هم تأسیس کتابخانه معروف اسکندریه از طرف بطلمیوس دوم پادشاه یونانی مصر بود که از سال ۲۸۴ تا ۳۵۳ قبل از میلاد سلطنت کرد.

دیگران نقل کرده که هدفش نه حکایت نویسی، بلکه بیان تجربه تلخ یا خوش، از وقایع زمان خودش، یا شنیده‌هایش برای عبرت نسلهای آینده بوده. شیخ علاوه بر حکایت‌های معنی‌دار و آموزنده، مؤلف سیزده کتاب به نشر و یک دیوان شعر است که آنها را از سن حدود پنجاه سالگی تا نود و شش سالگی به رشته تحریر آورده و این دوره زمان پختگی احمد جام است. چون او مدت دوازده سال در کوه‌های نامق (نامک) کاشمر در خلوت به سر برده و به مطالعه متون و حفظ قرآن و احادیث و آثار بزرگان مشغول بوده و شش سال در کوه بزد جام این خلوت و عزلت روحانی را ادامه داده که مجموعاً هژده سال از دوران جوانیش را، (از ۲۲ سالگی تا ۴۰ سالگی) صرف خودشناسی و معرفت خدای یکتای بی‌همتا کرده و در این زمان بود که با اندیشه تربیت یافته از تهذیب نفس و ذوب شده در کوره توبه و سایه قرآن و احادیث، به میان مردم منطقه جام آمد تا وظیفه‌ای را که بر دوش گذاشته بودند ادا نماید.

شیخ بقیه عمر با برکتش را به راهنمایی و تربیت شاگردان و فرزندان گذراند و در همین ایام آثاری پرمعنی با نثری روان و شیوا از خود به یادگار گذاشت. وی به نواحی خراسان آن زمان (بوزجان، سرخس، هرات، نیشابور و آبادیه‌های جام) سفر کرد و در سفر آنچه می‌دید و می‌شنید، نغزهایش را برمی‌گزید و از ناپسندهایش پند می‌گرفت تا اینکه با کوله‌باری از تجربه و مصاحبت‌ها و دیده‌ها و شنیده‌ها به منطقه جام آمد و تا پایان عمر همانجا ساکن شد و در بیرون روستای معد آباد خانقاهی برای سیر و سلوک عاشقان و علاقه‌مندان بنا کرد. این آبادی پس از ساخته شدن خانقاه احمد جام کم‌کم رونق گرفت و به محلی برای رفت و آمد کاروانیان و طالبان علم و ادب بدل گردید. پس از فوت شیخ جام و دفن او در بیرون دروازه معد آباد و کنار

خانقاهش این مکان به تربت شیخ جام و تربت جام معروف شد. امیران و سلاطین سلجوقی (که در آن زمان پایتخت بنیانگذار آن سلسله، طغرل، در نیشابور و ملکشاه در اصفهان و سلطان سنجر در مرو بود) و امیران آنها در آن زمان بر خراسان حکومت می‌کردند و پایتخت سلطنت آنها شهر هرات بود (اکنون این شهر در افغانستان است)، نسبت به احمد جام ارادت زیاد داشتند و برای ارج نهادن به مقام او مقبره و ایوان با شکوهی در محل دفن او ساختند که پس از گذشت چهار قرن از وفات شیخ مجموعه‌یی بزرگ از بناها و مساجد و مدرسه در حریم مقبره ساخته شد که اینک چشم‌نواز بازدیدکنندگان و زیارت‌کنندگان و شیفتگان راه حق و حقیقت است.

«نوشته‌اند که مدتی از روزگار جوانی احمد جام صرف خوش‌گذرانی و عشرت و شادخواری شد. اما به دنبال یک هیجان شگرف درونی و شوریدگی شدید روحی به مدد بارقه روحانی و کشش آسمانی از تأمل در گذشته خویش پشیمان شد به انجام توبه نصوحانه و استوار تائب گشت و دست از هرچه ناخوب و نابسامان بود فروشست.

سیری در گذشته مردان بزرگ جهان و بررسی سوانح حیات ایشان از این نوع دگرگوئیهای باطنی را نمودار می‌سازد و در خلال صفحات تاریخ مردان بزرگ، از هنرمندان و شاعران، عارفان، نویسندگان، و حتی پیران راه و مشایخ و اقطاب صوفیه کمابیش چنین تحوّل روحی بر آنان پدیدار گشته است. در کتب عارفان و ارسته همچون، رساله قشیریه، کشف المحجوب، نفحات الانس و دیگران این تحوّل روحی را مشاهده می‌کنیم.^۱